

گروه فعلی و ویژگی‌های آن

آموختیم که مهم‌ترین عضو گزاره، گروه فعلی است که معمولاً با شناسه همراه است.
فعل پنج ویژگی دارد :

۱) شخص (۲ زمان ۳ گذر ۴ وجه ۵ معلوم و مجهول
برخی از ویژگی‌های فعل از جمله **شخص**، **زمان** و **گذر** را سال گذشته آموختیم و دانستیم که :

۱) شخص

فعل شش شخص دارد :

گوینده) اول شخص مفرد = رفتیم .	گوینده) اول شخص مفرد = رفتیم .
شنونده) دوم شخص جمع = رفتید .	شنونده) دوم شخص مفرد = رفتی .
دیگری) سوم شخص جمع = رفتند .	دیگری) سوم شخص مفرد = رفت .

۲) زمان

فعل سه زمان اصلی دارد :

- ۱) ماضی ساده = بن ماضی + شناسه‌های ماضی : رفتم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید، رفتند
- ۲) ماضی استمراری = می + ماضی ساده : می‌رفتیم، می‌رفت، می‌رفتید، می‌رفتند
- ۳) ماضی بعید = صفت مفعولی + بودم، بودی، بود، بودیم، بودید، بودند :
رفته بودم، رفته بودی، رفته بود، رفته بودید، رفته بودند
- ۴) ماضی التزامی = صفت مفعولی + باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند :
رفته باشم، رفته باشی، رفته باشد، رفته باشیم، رفته باشید، رفته باشند
- ۵) ماضی نقلی = صفت مفعولی + ام، ای، (است)، ایم، اید، اند : رفته‌ام، رفته‌ای، رفته است، رفته‌ایم، رفته‌اید، رفته‌اند

الف) ماضی

(ب) مضارع* (۱) مضارع اخباری = می + بن مضارع + شناسه‌های مضارع : می‌روم...
 (۲) مضارع التزامی = ب + بن مضارع + شناسه‌های مضارع : بروم...

(پ) آینده
 آینده = خواهم، خواهی، ... + بن ماضی :
 خواهم رفت...

* در زبان فارسی چند زمان دیگر نیز وجود دارد؛ از جمله :

$\left. \begin{array}{l} \text{داشتم می‌رفتم، داشتیم می‌رفتیم} \\ \text{داشتی می‌رفتی، داشتید می‌رفتید} \\ \text{داشت می‌رفت، داشتند می‌رفتند} \end{array} \right\}$	$+ \text{ماضی استمراری}$	داشتم	$\left. \begin{array}{l} \text{ماضی مستمر} \\ \text{داشتی} \\ \text{داشت} \\ \dots \end{array} \right\}$
		داشتی	
		داشت	
		...	

$\left. \begin{array}{l} \text{دارم می‌روم، داریم می‌رویم} \\ \text{داری می‌روی، دارید می‌روید} \\ \text{دارد می‌رود، دارند می‌روند} \end{array} \right\}$	$+ \text{مضارع اخباری}$	دارم	$\left. \begin{array}{l} \text{مضارع مستمر} \\ \text{داری} \\ \text{دارد} \\ \dots \end{array} \right\}$
		داری	
		دارد	
		...	

کاربرد زمان افعال

سال گذشته درباره‌ی شیوه‌ی ساخت افعال در زمان‌های گوناگون سخن گفتیم. اکنون به برخی از کاربردهای زمان‌ها اشاره می‌کنیم :

ماضی ساده

برای بیان کاری که در گذشته به طور کامل انجام گرفته است :

* الف) فعل‌هایی که از مصدر «بودن و داشتن» بدون پیشوند «می» و «ب» می‌آیند، مانند «هست و دارد» استثنا هستند.
 ب) فعل‌های است و هست از نظر زمان، مضارع هستند.

وقتی خورشیدِ صبح یک‌شنبه، پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ پلک‌های خود را **گشود**، مولانا جلال‌الدین، چشمان پر نور خود را بر قونیه **فرو بست** و به شمس **پیوست**.

ماضی استمراری

الف) برای بیان کاری که در گذشته به صورت پیوسته ادامه داشته یا بارها تکرار شده است. ما قرن‌ها با همسایگان خود در صلح و صفا **می‌زیستیم**. هر بار که طوفانِ حادثه‌ای به ما **می‌رسید**، بالنده‌تر قد **برمی‌افراشتیم**.

ماضی بعید

برای بیان کاری که در گذشته پیش از کار دیگر اتفاق افتاده است: وقتی سپاه نادر به اصفهان رسید، اشرف و یارانش این شهر را **غارت کرده بودند**.

ماضی التزامی

برای بیان کاری در گذشته همراه با احتمال، الزام و آرزو:

انسان متمدن امروز مضرات زیاده‌جویی و خودخواهی را **دریافته باشد**.

}	شاید کاش باید
---	---------------------

ماضی نقلی

الف) برای بیان کاری که در گذشته انجام گرفته، اینک اثر و نتیجه‌ی آن مورد نظر است: در سال‌های اخیر جوانان ما در صحنه‌ی پیکارهای علمی بین‌المللی **موفقیت‌های بزرگی کسب کرده‌اند**.

ب) برای بیان کاری که گوینده، شاهد آن نبوده است و صورت نقل قول دارد: سیل از کوه سرازیر شده و خانه‌ها را خراب **کرده است**.

ماضی مستمر

برای بیان کاری که در گذشته، همزمان با کاری دیگر صورت گرفته است :
داشتیم برمی گشتیم که حسن وارد شد.

مضارع اخباری

(الف) برای بیان حقایق کلی و مطالب علمی :
آب در گرمای صددرجه می جوشد. آهن در مجاورت رطوبت زنگ می زند.
(ب) برای بیان کاری که اکنون در حال انجام است :
چه می کنی؟ کتاب می خوانم.
(پ) همچنین برای بیان کاری که در آینده انجام خواهد گرفت، از این فعل استفاده می شود :
تابستان آینده به مسافرت می رویم (= خواهیم رفت).

مضارع التزامی

برای بیان احتمال، الزام و آرزو در آینده :

شاید
باید
کاش
} باران بیارد.

مضارع مستمر

برای بیان کاری که هم اکنون در حال جریان است :
قافله‌ی تمدن بشری به کجا دارد می رود؟

آینده

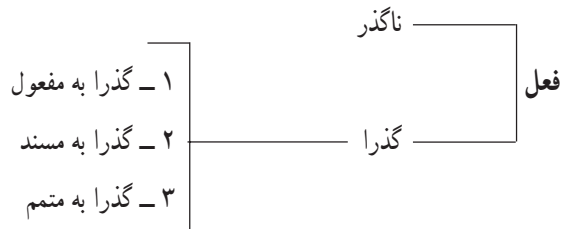
برای بیان کاری که از این پس انجام خواهد گرفت :
آزادی و آفتاب هم‌ریشه‌اند و در صورت نبود هر یک از آن‌ها، حیات نابود خواهد شد.

فعالیت

از مصدر «نوشتن»، همه‌ی زمان‌ها را بسازید و درباره‌ی کاربردهای گوناگون آن‌ها گفت‌وگو کنید.

۳) گذر

فعل ممکن است ناگذر یا گذرا باشد :



یادآوری: گاهی از مصدرهای شکستن، ریختن، پختن، بردن، گذاختن، گسستن و ... فعل‌هایی ساخته می‌شود که هم گذرا و هم ناگذر هستند بدون آن‌که تغییری در ساخت و معنای آن‌ها ایجاد شود. مانند: آب ریخت. / گربه آب را ریخت. به این افعال دو وجهی می‌گویند.

۴) وجه

به جمله‌های زیر دقت کنید :

جمله‌ی یکم: پرویز به خانه می‌رود. وقوع فعل از نظر گوینده مسلّم است.

جمله‌ی دوم: شاید پرویز به خانه برود. وقوع فعل از نظر گوینده نامسلّم است.

جمله‌ی سوم: به خانه برو. وقوع فعل جنبه‌ی فرمان یا خواهش دارد.

این سه کارکرد فعل را وجه فعل می‌گوییم و آن‌ها را به ترتیب اخباری، التزامی و

امری می‌نامیم.

وجه اخباری

اگر گوینده وقوع فعل را به صورت مسلّم و قطعی مطرح سازد، فعل از وجه اخباری است.

جز فعل امر و دو ساخت **ماضی التزامی** و **مضارع التزامی** ساخت سایر زمان‌های فعل‌ها، از وجه اخباری است.

وجه التزامی

اگر گوینده، فعل را به صورت نامسّم یا احتمال و آرزو و الزام مطرح کند، فعل از **وجه التزامی** است و ساخت‌های ماضی التزامی و مضارع التزامی برای آن به کار می‌رود:

□ ماضی: (اخباری) پرویز در امتحان ورودی موفق شد ← (التزامی) کاش پرویز موفق شده باشد.

□ مضارع: (اخباری) پرویز در امتحان ورودی موفق می‌شود ← (التزامی) کاش پرویز موفق شود (بشود).

وجه امری

اگر گوینده، وقوع فعل را به صورت امر، خواهش و فرمان مطرح کند، فعل از **وجه امری** است.

کتاب را بردار. قدر مادر و پدر خویش را بدان. خدایا، مرا ببخش.
فعل امر برخلاف وجه اخباری و التزامی، پرسشی نمی‌شود.
فعل امر (وجه امری) تنها دو ساخت (صیغه) دارد:

دوم شخص مفرد	دوم شخص جمع
ب- + بن مضارع + Ø	ب- + بن مضارع + ید
بنویس	بنویسید
برو	بروید
بنشین	بنشینید

ویژگی های فعل

معلوم و مجهول

در درس های گذشته با چند ویژگی فعل آشنا شدید؛ اکنون به دو جمله ی زیر دقت کنید.

الف) اکبر خانه خرید.
 ب) اکبر خانه خریده شد.

در دو جمله ی بالا درباره ی خریدن خانه در زمان گذشته صحبت شده است. تفاوت این دو جمله آن است که فعل جمله ی الف به نهاد و فعل جمله ی دوم به نهادی که قبلاً مفعول بوده است، نسبت داده شده است. فعل جمله ی الف را معلوم و فعل جمله ی دوم را مجهول می نامیم.

فعل گذرا به مفعول را، اگر معلوم باشد به نهاد نسبت می دهیم و اگر مجهول باشد، به نهادی که قبلاً مفعول بوده است نسبت می دهیم.

روش مجهول کردن جمله ی معلوم

برای ساختن جمله ای که فعل آن مجهول باشد، از روش زیر، استفاده می کنیم:

فعل	مفعول	نهاد
دوخت ∅	لباس ها را	خیاط
دوخت ∅	لباس ها را	(۱) خیاط
دوخت ∅	-	(۲) لباس ها را

جمله ی معلوم

(۱) نهاد را حذف می کنیم:

(۲) مفعول جمله را نهاد قرار می دهیم:

(در این حالت، اگر کلمه ی «را» در جمله باشد، حذف می شود.)

دوخته	-	(۳) لباس‌ها
دوخته شد ∅	-	(۴) لباس‌ها
دوخته شدند.	-	(۵) لباس‌ها

۳) فعل جمله را به صفت مفعولی تبدیل می‌کنیم:

۴) از «شدن» فعلی متناسب با زمان فعل اصلی می‌سازیم و به آن اضافه می‌کنیم:

۵) شناسه را با نهاد جدید مطابقت می‌دهیم:

فعالیت

چرا فعلی که مفعول نداشته باشد مجهول نمی‌شود؟ چند فعل گذرا و ناگذر مثال بزنید و درباره‌ی مجهول کردن آن‌ها گفت‌وگو کنید.

فعل	مفعول	نهاد	
نوشت.	نامه	مریم	معلوم
نوشته شد.	→	نامه	مجهول
می‌نویسد.	نامه	مریم	معلوم
نوشته می‌شود.	→	نامه	مجهول
خواهد نوشت.	نامه	مریم	معلوم
نوشته خواهد شد.	→	نامه	مجهول

❖ فعل مجهول = صفت مفعولی فعل اصلی + صورت صرف شده‌ی فعل شدن در زمان فعل معلوم.

❖ در جمله‌ی مجهول، شناسه از نظر شخص و شمار، با نهاد جدید متناسب

است:

معلوم:	علی	دوستان ما را دید ∅
مجهول:	دوستان ما	دیده شدند.

خودآزمایی

۱) واژه‌های زیر را در جمله‌ی نمونه جانشین‌سازی کنید.

جمله‌ی نمونه: نامه نوشته می‌شود.

فرستادن بردن دیدن آوردن

مثال: خواندن ← نامه خوانده می‌شود.

۲) به جای «نوشت» فعل‌های زیر را در جمله‌ی نمونه بنویسید و جمله را مجهول کنید:

جمله‌ی نمونه: علی نامه را نوشت.

می‌نویسد بنویسد دارد می‌نویسد

خواهد نوشت نوشته است نوشته بود

نوشته باشد داشت می‌نوشت می‌نوشت

مثال: (می‌نویسد) علی نامه را می‌نویسد ← نامه نوشته می‌شود.

۳) به جای «فردا» قیدها و گروه‌های اسمی زیر را در جمله‌ی نمونه بگذارید و مطابق با آن‌ها فعل

را تغییر دهید.

جمله‌ی نمونه: فردا نامه نوشته خواهد شد.

یک ساعت بعد همین حالا تا چهار پنج روز دیگر

پارسال پیش از آمدن شما فردا صبح

هفته‌ی آینده قبلاً بعداً

مثال: (دیروز) ← دیروز نامه نوشته شد.

۴) در جمله‌های مجهول زیر، زمان فعل‌ها را تعیین کنید. آن‌گاه با حفظ زمان، فعل‌های

مجهول را به معلوم تبدیل کنید و گروه اسمی داخل کمانک را نهاد جمله‌ی جدید قرار دهید.

مثال: حضرت یوسف به چاه انداخته شد. (برادران) برادران، حضرت یوسف را به چاه انداختند.

مردم بی‌گناه گروه گروه به گلوله بسته می‌شدند. (شاه)

حکومت ستم‌شاهی برانداخته شد. (امام خمینی)

آیا باز هم شاهکارهایی همچون شاهنامه‌ی فردوسی سروده خواهد شد؟ (ایرانیان)

در سایه‌ی تلاش و از خودگذشتگی و عشق به هم‌نوع، پرچم علم و فضایل اخلاقی در

سراسر دنیا افراشته خواهد شد. (جوانان ایران)

- کتاب چشمه‌ی روشن در نقد و تحلیل نمونه‌هایی از شعر فارسی نوشته شد. (غلامحسین یوسفی)
- بسیاری از استعدادها کشته شده است. (اعتیاد)